

# موی سر یا توی سر؟! !

محمد داوری

ویدیوی قیچی کردن موی سر دانش‌آموزان پسر یکی از مدارس که در شبکه‌های اجتماعی با واکنش‌های گسترده مواجه شد نوک کوه یخی است که نشان از واقعیت‌های تاسف‌بار مدارس کشور دارد، واقعیت‌هایی که متأسفانه گواهی است بر حاکمیت اندیشه‌ها و روش‌های دهه‌شصتی که با هیچ‌کدام از اصول و مبانی تعلیم و تربیت و اصول و مبانی روانشناسی کودک و نوجوان تناسب و سازگاری ندارد.



بی‌تردید چنین روش‌های غیرتربیتی و غیرعلمی و غیرحرفه‌ای ریشه در تفکر سنتی و نگرش‌های سطحی به مقوله تربیت دارد، روش‌هایی که نه تنها مفید و کارآمد نبودن آنها، بلکه مضر و ناکارآمدی آنها برای همه به اثبات رسیده است و برای اثبات آن نیازی به تحقیق و پژوهش نیست چرا که بسیار روشن و بدیهی است که چنین روش‌های سطحی و غیرحرفه‌ای حتی در عقب‌مانده‌ترین نظام‌های آموزشی دنیا هم استفاده نمی‌شود.

قیچی کردن موی سر کودک یا نوجوانی که بی‌تردید موی سرش برایش بسیار اهمیت دارد و در دنیای او و تصویرسازی از خودش در مهم‌ترین دوره رشدش از جنبه‌های ذهنی و روانی دارای ابعاد عمیق روانشناختی است آن هم در میان هیاهوی دوستان و هم‌کلاسی‌ها و هم‌مدرسه‌ای‌ها در واقع ایجاد زخم بزرگ روانی است که چه بسا تا آخر عمر آن فرد اثرش باقی بماند، همان اثری که برخی از کاربران به موارد مشابهی از تجربیات دوران مدرسه خود در واکنش به این ویدیو اشاره کردند.

نظام آموزشی سطحی‌نگر که به جای اهمیت دادن به محتوا اسیر شکل است راه به جایی نمی‌برد و نگرشی که (موی‌سر) برایش از (توی‌سر) مهم‌تر است الگوی رفتاری تظاهر را ترویج می‌کند و رفتارهای نمایشی را تحسین می‌کند که موجب می‌شود تا واقعیت‌ها پشت این ظاهرسازی پنهان

بماند و تبعات آن در قالب آسیب‌های اجتماعی در سنین بالاتر سر برآورد. قوانین و مقررات و دستورالعمل‌های حاکم در مدارس و اعمال سلیقه‌های برخی متولیان کج‌اندیش و بداندیش و غیرحرفه‌ای است که باعث شده است تا کلاس و مدرسه برای دانش‌آموزان جذابیت نداشته باشد و بسیاری از آنها از مدرسه فراری باشند و هم‌چنان به بهانه ترجیح کلاس‌های غیرحضوری با کلاس‌های حضوری از هر فرصت و بهانه‌ای برای نیامدن به مدرسه استفاده کنند.

به نظر می‌رسد معلمانی که در صف مطالبه‌گری قرار دارند باید با اعلام مخالفت خود با چنین شیوه‌هایی تلاش کنند تا به موازات مطالبات صنفی خود از حقوق دانش‌آموزان و شخصیت و جایگاه آنها نیز دفاع نموده و اجازه ندهند عوامل مدرسه به چنین شیوه‌هایی که علاوه بر غیرعلمی و غیرحرفه‌ای بودن غیراخلاقی نیز می‌باشد با روح و روان دانش‌آموزان بازی کنند. بی‌تردید دفاع از حقوق دانش‌آموزان به عنوان یک مطالبه بحق می‌تواند رابطه معلم و دانش‌آموز را بهبود ببخشد و به پیوند موثر این دو عنصر اساسی نظام آموزشی کمک کند تا شاید قدری از ناکارآمدی نظام آموزشی جبران شود.

□□□□□□ □□□□□□ 27□□□□□□ □□□□□□ :□□□□

1401